



پیرو جنبش و خداخواهی

ماموستا کرپکار

◆◆◆◆◆
جزء کتاب‌های مقرر شده
برای مرحله هم‌دین
جنبش شاهدان خداپرستی

◆◆◆◆◆

تقدیم به:

جنبشیان پیشاهنگی که مسئولانه برادرانشان را پرورش می دهند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



إن الحمد لله نحمده و نستعينه و نستغفره، و نعوذ بالله من شرور أنفسنا و من سيئات أعمالنا، من يهده الله تعالى فلا مضل له، و من يضلل فلا هادي له، و أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أشهد أن محمدًا عبده و رسوله.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ [آل عمران: ١٠٢]

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ ۖ وَالْأَرْحَامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا [النساء: ١]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا [الاحزاب: ٧١-٧٠]

أما بعد: فإن أصدق الحديث كتاب الله و خير الهدي هدي محمد صلى الله عليه و سلم و شر الأمور محدثاتها و كل محدثة بدعة و كل بدعة ضلالة و كل ضلالة في النار.





پیش در آمد

ما برای پیروان جنبش سه برنامه را مدنظر داریم:

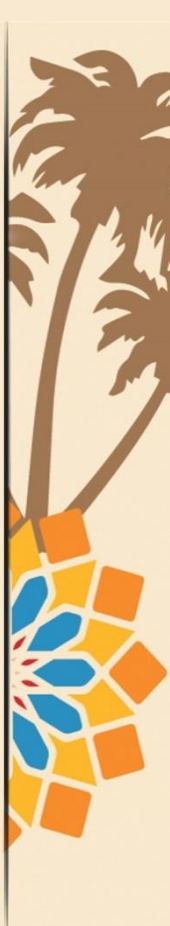
۱- یادگیری علوم شرعی: با معرفی کردن دروس اصلی و ابتدایی در زمینه‌ی عقیده، قرآن، سنت، سیره، فقه، فکر و دعوت، تزکیه‌ی نفس و تهذیب اخلاق، آداب اجتماعی و کار گروهی اسلامی و ...

برای این منظور سه مرحله تعلیم (یاگیری علوم شرعی) را قرار داده‌ایم:

مقدماتی ناهم‌دئسلائی (آمد اسلامی) که شامل سه سال خواندن این دوره‌ی آموزشی است. سپس پیمانگای (دانشکده) ابن تیمیه که دو سال طول می‌کشد، سپس دو سال در رشته‌های تخصصی مشغول به علم شرعی می‌شود. مرحله‌ی اول و دوم به صورت اینترنتی قرار داده شده است، تا همه‌ی اهل جنبش و هر طالب علمی بتواند در یادگیری آن مراحل و امتحانات آن شرکت داشته باشد. هر یک از این سه مرحله مشتمل بر یازده کتاب است. کسی که در این امتحانات نمره‌ی قبولی را بگیرد به ترتیب مدارک فعال اسلامی (داعیه)، کارشناس اسلامی، محقق اسلامی را می‌تواند دریافت کند.

طی کردن این مراحل برای اهل جنبش (ره‌توهان) اجباری می‌باشد، یعنی باید همه‌ی این دروس را بخوانند و در امتحانات آن نیز شرکت کنند و نمره‌ی قبولی را بگیرند تا بتوانند در مراحل دیگر جنبش مسئولیتی را عهده دار شوند.

۲- روشنفکری سیاسی و فکری: شناساندن دید و روش و طرز تفکر سیاسی اسلامی، تا در مورد تشکیل دولت اسلامی و ساختار حکومت و سیستم خلافت اسلامی و ماهیت فکر و فلسفه به صورت عام آگاهی پیدا کنند. و همچنین با گفتگوی تمدن‌ها و اصطلاحات و دانش اصلی فکری و سیاسی و حقوق بشر و چگونگی حکم اسلامی و انقلاب‌های آن و





احزاب کوردی و پارلمان و حکومت حزبی و غیرحزبی آشنا شود. ما این مباحث را در مرحله‌ی تخصصی برای طالبان اهل جنبش مهیا کرده‌ایم. افرادی که مرحله‌ی پیمانگای ابن تیمیه را با موفقیت طی کرده باشند وارد مرحله‌ی تخصصی خواهند شد.

۳- روشنفکری داخلی ویژه: تمام گروه‌های فکری و سیاسی یک نوع برنامه ویژه داخلی را دارا می‌باشند که اعضای گروه را با آن برنامه توجیه می‌کنند به این نوع کار حرکتی، توجیهات حزبی گفته می‌شود که شامل مشخص کردن راه و روش، نظرات مواضع، اصطلاحات و تعریف مسائل پیرامون است. این مسائل معمولاً کوتاه و مفید ارائه می‌شوند ولی اهتمام بیشتری به آن می‌دهند. بسیاری از مواقع به صورت یک بروشور یا سخنرانی حزبی یا یک سمینار رسمی حزبی یا تجربیات انقلابی دیگر دیده می‌شود.

جنبش شاهدان نیز به لطف پروردگار از روزی که علنی گشته است، طرفداران خود را بی برنامه رها نکرده است. ابتدا دانشگاه ابن تیمیه شروع به کار کرد، سپس به حول و قوه الهی و همت عزیزان کتاب‌های مرحله اول را چاپ کردیم و به کتاب‌های مرحله دوم رسیدیم. سپس در بازنگری آن صلاح را در آن دیدیم که شروع آن را به سه مرحله تقسیم کنیم، و شروع به نوشتن و ترجمه کردن و انتخاب درس کردیم و حمد و سپاس برای خدا، آن را به اتمام رساندیم و باید تلاش کنیم تا این کتاب‌ها را نیز چاپ نماییم.

مانند یک برنامه‌ی جامع داخلی که نام آن را "به‌رچاو روونی" گذاشته‌ایم برای عزیزان جنبش آماده کرده‌ایم که شامل چندین کتاب کم حجم است و حاضران در حرکت شاهدان باید در زمان تعیین شده آن را بخوانند. و این به معنای مطالعه‌ی دقیق چندین کتاب آگاه‌سازی از برنامه‌ی جنبش شاهدان خداپرستی است.





کتاب پیش رو اولین کتاب "به‌رچاو روونی" داخلی است که بیشتر یادآوری حاضران در جنبش از نیت پاکشان است ف تا شیطان و هوای نفس و کاستی و کاهلی آنان را گمراه نکند و باعث فساد در نیت آنان نشود.

این کتاب بسیار مهم است، زیرا با ادله‌ی قرآن و سنت به ما ثابت می‌کند که کار گروهی (جماعی) حاضران در این حرکت خداپرستان اگر همراه با لطف خدا باشد و آنان نیز در راستای این منهج فعالیت داشته باشند، امید است که خداوند این فعالیت را مقدمه‌ی جهاد به حساب آورد.

اصل این کتاب که برای خالص کردن نیت توسط دکتر عبدالقادر عزیز در مقدمه‌ی العمده که برای سربازان عرب افغانستان در زمان جهاد افغان علیه شوروی نوشته شده است. به همین خاطر اصل کتاب در مورد آماده شدن برای جهاد و اعداد و شرکت در جهاد است. ما این کتاب را به گونه‌ای آماده کرده‌ایم که برای حاضران در حرکت مان و کار گروهی و دسته جمعی آنان مفید باشد زیرا خلوص نیت برای هر کاری شرط است. خداوند لطف و کرم خود را از ما قطع نکند و ما را به خودمان وانگذارد، آمین....

یک یادآوری مهم ...

کسی که خدا را بخواهد باید هدفش او باشد به این معنا که شریک ندارد، در پرستش او شریک قرار ندهد، این مهم نیز با خالص کردن درون از تعلقات دنیایی مسجل می‌شود. پس بنابراین خدایی شدن به معنی رهنیدن نیت و اعمال از شریک قائل شدن است برای الله.





سیدنا عمر بن خطاب از پیامبر صلی الله و علیه و سلم نقل می کند که فرموده است: (إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى. فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ، فَهِيَ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ. وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يُنكِحُهَا فَهِيَ هِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ)

تنها معیار صحت اعمال، قصد و نیت است و بدون شک هر کس نتیجه و پاداش نیت خود را دریافت می کند پس هر کس که نیت هجرت او به خاطر خدا و رسول خداست، هجرتش به عنوان هجرت به سوی خدا و رسول قلمداد می شود و هر کس قصد و نیت هجرتش به خاطر دستیابی به یک امر دنیوی یا ازدواج با یک زن باشد پاداش و نیت خود را متناسب با آنچه که به خاطر آن هجرت کرده است دریافت می کند.

ابوموسی اشعری (رضی الله عنه) نقل کرده است که: (أَنَّ أَعْرَابِيًّا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، الرَّجُلُ يُقَاتِلُ لِلْمَغْنَمِ وَالرَّجُلُ يُقَاتِلُ لِيُذَكَّرَ، وَالرَّجُلُ يُقَاتِلُ لِيَرِي مَكَانَهُ وَفِي رِوَايَةٍ: يُقَاتِلُ شَجَاعَةً، وَيُقَاتِلُ حَمِيَّةً، فَمَنْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)

اعرابی به نزد پیامبر صلی الله و علیه و سلم آمد و از اشان پرسید، فردی برای غنیمت جنگی می جنگد، دیگری برای کسب شهرت و عنوان و شخصی دیگر نیز برای به دست آوردن جایگاه فرماندهی.. و در روایتی دیگر آمده است که به خاطر اینکه به او لقب شجاع دهند می جنگد، از این گونه افراد داریم که برای قوم و قبیله گرای می جنگند تا آوازه ی قوم قبیله ی خود را بر سر زبان ها آورد ف از این افراد کدام یک در راه خدا کار کرده است؟ فرمودند: آن کسی که در راه خدا و برای اعتلای دین الله می جنگد در راه خدا می باشد.

۱. متفق علیه

۲. متفق علیه





کارهای گروهی جنبش نیز شامل مقدمات و آماده سازی برای متحد شدن و انسجام است. و این احتمال نیز وجود دارد کسانی که برای جنبش فعالیت می کنند دچار انواع بلا و مصیبت از جمله زندان و هجرت و یا حادثه و از همه خطرتر در راه الله شهید شوند.

به همین خاطر لازم است که نیت خود را پاک و خالص گرداند تا هدف از این کار گروهی، تلاشی جهادی باشد که راه خدا انجام می شود. تنها آرزوی او باید اعتلای دین الله باشد و بس تا وعده ای را که الله متعال به او مژده داده شده است در قیامت به طور کامل دریافت کند زیرا هر پاداشی که برای پیروان این جنبش وعده داده شده است منوط به نیت پاک و خالص است یعنی اینکه در راه خدا باشد. به همین دلیل لازم است کسی که خود را از این سیستم و حرکت می داند برای اسلام کار کند و همیشه نیت خود را از وسوسه‌ی شیطان و نفس خویش محفوظ بدارد.

برادر گرامی فعالیت دینی به این خاطر نیست که به شما گفته شود ماشاالله چقدر شجاع و دلیر است و همچنین نیز بدین هدف نیست که زمانی به میان قوم و خویش بازگشت این فعالیت را مایه‌ی غرور و تکبر خودگرداند و کاری کند که اطرافیان او را مدح و ستایش کنند و بگویند او فردی بی رقیب است که از همه‌ی دوستانش سبقت گرفته است.

زیرا پیامبر صلی الله و علیه و سلم می فرماید: (أَوَّلُ النَّاسِ يُقْضَىٰ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَلَاثَةٌ: رَجُلٌ اسْتَشْهَدَ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَّفَهُ نِعْمَهُ فَعَرَفَهَا قَالَ فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ قَاتَلْتُ فِيكَ حَتَّى اسْتَشْهَدْتُ، قَالَ كَذَبْتَ وَلَكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِيُقَالَ فُلَانٌ جَرِيءٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلي وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ.. وَرَجُلٌ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَلَّمَهُ وَقَرَأَ الْقُرْآنَ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَّفَهُ نِعْمَهُ فَعَرَفَهَا قَالَ فَمَا عَمِلْتَ فِيهَا قَالَ تَعَلَّمْتُ الْعِلْمَ وَعَلَّمْتُهُ وَقَرَأْتُ فِيكَ الْقُرْآنَ قَالَ كَذَبْتَ وَلَكِنَّكَ تَعَلَّمْتَ الْعِلْمَ لِيُقَالَ عَالِمٌ وَقَرَأْتَ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ قَارِئٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلي وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ.. وَرَجُلٌ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَعْطَاهُ مِنْ أَصْنَافِ الْمَالِ كُلِّهِ فَأُتِيَ بِهِ فَعَرَّفَهُ نِعْمَهُ فَعَرَفَهَا فَقَالَ مَا عَمِلْتُ فِيهَا قَالَ مَا





تَرَكْتُ مِنْ سَبِيلِ تُحِبُّ إِلَّا أَنْفَقْتُ فِيهَا لَكَ قَالَ كَذَبْتَ وَلَكِنَّ لِيُقَالَ إِنَّهُ جَوَادٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أَمَرَ بِهِ فَسُحِبَ عَلَى وَجْهِهِ فَأُلْقِيَ فِي النَّارِ.^۳

نخستین کسی که در روز قیامت درباره او داوری می‌شود شخص شهید است او را به پیشگاه الله متعال می‌آورند و خداوند تمام نعمت‌های خود را که به او ارزانی داشته به او یاد آوری می‌کند او نیز تمام نعمت‌ها را به یاد می‌آورد و به آن‌ها اعتراف می‌کند که صاحب چنین نعمت‌هایی بوده است خداوند می‌فرماید: در برابر این همه نعمت که به تو بخشیدیم چه کار کردی؟ عرض می‌کند خداوند در راه تو جهاد کردم تا به شهادت رسیدم. خداوند می‌فرماید: دروغ گفתי بلکه پیکار کردی تا بگویند فلانی دلاور است و گفته شد آنگاه فرمان می‌رسد که او را بر روی صورتش بکشانید و به آتش دوزخ افکنید. سپس نوبت به دیگری می‌رسد که دانش آموخته و به دیگران یاد داده است و قاری قرآن بوده است. او را نزد پروردگار می‌آورند، سپس خداوند نعمت‌های خود را که به او بخشیده است یادآوری می‌کند، او نیز به تمام نعمت‌ها اعتراف می‌کند، سپس خداوند می‌فرماید در برابر این نعمت‌ها چه کردی؟ پاسخ می‌دهد در راه تو کسب علم کردم و به دیگران آموختم و قرآن را به مردم تعلیم دادم. خداوند می‌فرماید دروغ گفתי: بلکه دانش آموختی تا بگویند فلانی عالم است و به این خاطر به مردم قرآن آموختی تا بگویند فلانی قاری است و گفته شد. آنگاه فرمان می‌رسد که او را بر روی صورت به آتش دوزخ بیفکنید. سپس نوبت به آخرین نفر می‌رسد که خداوند ثروت و سامان بسیاری را به او بخشیده است. خداوند تمام نعمت‌های خود را به او یاد آور می‌شود و او نیز می‌گوید: خداوند هیچ موردی نبود که تو در آن راه انفاق را دوست داشتی و من در آن راه انفاق کردم و جز برای رضایت شما انفاق نکردم. خداوند می‌فرماید: دروغ گفתי بلکه این کار را





کردی که به تو بگویند فلانی بخشنده است و گفته شد. پس فرمان می‌رسد تا او را بر روی صورت به آتش دوزخ افکنند.


بنابراین از ابتدا پیروان جنبش باید این مساله را در ذهن خود تثبیت کنند که این فعالیت و کار گروهی برای نفع مادی و جاه و مقام دنیوی نیست، زیرا ممکن است در ابتدا راه بمیرید و حتی به مقام دنیوی نرسد آنگاه هر دو دنیای خود را از دست داده و متضرر می‌شود و در واقع شکست و نابودی حقیقی این است.

پیامبر صلی الله و علیه و سلم در حدیثی می‌فرمایند: (ما ذُئِبَانَ جَائِعَانَ أُرْسِلَا إِلَى زَرِيْبَةٍ غَنَمٍ بِأَفْسَدَ لَهَا مِنْ حِرْصِ الْمَرْءِ عَلَى الْمَالِ وَالشَّرَفِ لِدِينِهِ)^۴

دو گرگ گرسنه که در آغل گوسفندان افتاده هیچ گاه خطرناک تر از کسی نیست که تمام هم و غم او ثروت اندوزی و جاه و مقام دنیایی و به دست آوردن مادیات از راه دین باشد.

این حدیث برای ما روشن می‌گرداند که ثروت اندوزی و تلاش برای کسب مقام دنیوی از راه دین داری باور و عقیده‌ی بشر را مختل می‌گرداند و از آن دو گرگ گرسنه در آغل گوسفندان راه پیدا کرده‌اند خطرناک تر می‌باشند، این دو گرگ هیچ گوسفندی را سالم و زنده باقی نمی‌گذارند هوی و هوس مسلمان نیز تمام اعمال دینی او را پوچ و باطل می‌گرداند.

^۴ . رواه نه‌حمه‌د والترمذی باسناد صحیح عن كعب بن مالك



رسالت الهی را فدای حزب گرایی نکن ...

همچنان که مسلمان نباید به امید موفقیت حزب یا گروهی فعالیت و جهاد داشته باشد، اگر هم قطارانش از ادامه فعالیت باز بمانند او نیز دست ادامه‌ی فعالیت بکشد، این کار او برای اعتلای دین خدا نیست بلکه برای اعتلای پرچم حزب یا گروه خویش بوده است. دعوت و رسالت الهی نیز این چنین است که نباید به خاطر حزب یا دسته‌ای خاص مانع کار کردن عده‌ای شود که با روش خاص خود مردم را به این دین دعوت می‌کنند. ممانعت از کار عده‌ای از مردم دین دار و فراهم آوردن شرایط فقط برای خود و حزب خویش وارد آن دایره‌ای می‌شود که نژاد پرستی است، و پیامبر صلی الله و علیه وسلم درباره‌ی آن





می فرماید: (ما بِالْ دَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ؟ دَعْوَاهَا فَإِنَّهَا مُنْتَهَى شَمَا رَا چِه شده است؟ این دعوت جاهلی را چرا انجام می دهید؟ از این کار دست بکشید، این همانند جسدی متعفن است.

در حدیثی دیگر نیز می فرماید: (مَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَايَةِ عُمِيَّةٍ، يَغْضَبُ لِلْعَبِيَّةِ، وَيُقَاتِلُ لِلْعُصْبَةِ فَلَيْسَ مِنِّي)^۶. هر کسی در زیر پرچم جاهلیت کورکورانه کشته شود یا عصبانیت و خشم او به خاطر تعصب باشد و جنگ و جهادش نیز در این راه باشد از من نیست.

همچنین می فرماید: (مَنْ قُتِلَ تَحْتَ رَايَةِ عُمِيَّةٍ يَدْعُو عَصْبِيَّةً أَوْ يَنْصُرُ عَصْبِيَّةً، فَقَتَلْتُهُ جَاهِلِيَّةً)^۷. آن کسی که دعوتش به خاطر تعصب قومی و نژاد پرستی باشد تمام تلاشش نیز در این راستا باشد هنگامی که کشته شود به مرگ جاهلیت دچار گشته است. این چنین کسانی که نیتشان برای اعتلای قوم و قبیله و نژاد باشد در روز قیامت هیچ پاداشی نخواهند داشت، هر چند ممکن است در شکست دشمنان و اعتلای دین نقش مهمی داشته باشند، همچنان که پیامبر صلی الله و علیه و سلم برای ما بیان فرموده است: (إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ سَيُؤَيِّدُ هَذَا الدِّينَ بِأَقْوَامٍ لَا خَلَاقَ لَهُمْ)^۸ خداوند دین خود را به وسیله‌ی کسانی به پیروزی می‌رساند که در روز قیامت هیچ سهم و بهره‌ای از پاداش نخواهند داشت.

فردی در میدان جهاد همراه با پیامبر صلی الله و علیه و سلم می‌جنگید و بسیار شجاع و دلیر بود در یکی از غزوات زخمی شد و از شدت ناراحتی زخم خود را باز کرد و باعث مرگ خود شد. پیامبر صلی الله و علیه و سلم فرمود: (إِنَّ اللَّهَ لَيُؤَيِّدُ هَذَا الدِّينَ بِالرَّجُلِ

^۵ . رواه البخاری عن جابر بن عبد الله.

^۶ . رواه مسلم عن أبي هريرة

^۷ . رواه مسلم عن جندب بن عبد الله

^۸ . رواه احمد والطبرانی عن أبي بكره ورجالهما ثقة/ مجمع الزوائد ۳۰۵/۵





الفاجر^۱. پروردگار دین خود را به وسیله‌ی انسان‌های فاجر و فاسق و کسانی که نیت خدایی ندارند نیز اعتلا می‌بخشد.

امام مسلم از امام عمر بن خطاب نقل کرده است: هنگامی که غزوه خیبر به پایان رسید جمعی از صحابه بر جنازه‌ها سرکشی می‌کردند و می‌گفتند این فلانی است که شهید شده است و این فلانی و فلانی است... تا به جنازه‌ی فردی رسیدند و به او نیز گفتند شهید شده است، پیامبر صلی الله و علیه و سلم در این مورد سکوت اختیار کرد سپس فرمود: **(كَلَّا إِنِّي رَأَيْتُهُ فِي النَّارِ فِي بُرْدَةٍ غَلَّهَا - او عباوة -) خیر چنین نیست او را در میان آتش جهنم دیدم زیرا جبه ای را از غنیمت قبل از تقسیم کردن بیت مال دزدیده بود**

امام بخاری از عبدالله بن عمرو نقل می‌کند که مردی به اسم کرکره مسول نگهداری غنایم جنگی بود هنگامی که کشته شد پیامبر صلی الله و علیه و سلم فرمودند: **<هو فی نار>** او اهل دوزخ است. صحابه هنگامی که بر بالای جنازه‌ی او رسیدند دیدند که جبه ای را قبل از تقسیم کردنش در زیر شکم خود پنهان کرده است.

واقعی می‌فرماید: او فردی سیاه پوست بود به قدری به پیامبر نزدیک بود که در بسیاری از غزوات افسار اسب پیامبر را می‌گرفت، با این وجود چون جبه ای از غنیمت را دزدیده بود و نیت خود را تغییر داده بود سرنوشت او آتش جهنم شده است.

منافقان نیز در زمان حیات پیامبر صلی الله و علیه و سلم جهاد می‌کردند و مال و سامان خود را در این راه می‌بخشیدند ولی قابل قبول نبود، برای نمونه در جنگ بنی مصطلق یکی از آنها **(لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ)** المنافقون: ۸

^۱. رواه البخاری عن أبي هريرة





همچنین کسانی که در غزوه‌ی تبوک صحابه را مورد تمسخر قرار دادند و خداوند پرده از کار آنان برداشت:

(وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ. (توبه/۶۵)

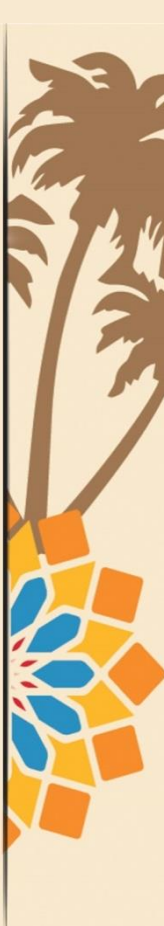
اگر از آنان (درباره سخنان ناروا و کردارهای ناهنجارشان) بازخواست کنی ، می گویند : (مراد ما طعن و مسخره نبوده و بلکه با همدیگر) بازی و شوخی می کردیم . بگو : آیا به خدا و آیات او و پیغمبرش می توان بازی و شوخی کرد !؟

در مورد بذل و بخشش آنها نیز خداوند می فرماید: **قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً لَنْ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ**
إِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْماً فَاسِقِينَ.

(توبه/۵۳) ای پیغمبر ! به منافقانی که برای پنهان داشتن نفاق خود به بذل و بخشش می پردازند (بگو : چه از روی اختیار و چه از روی اجبار به بذل و بخشش پردازید ، در هر حال از شما پذیرفته نمی گردد ، چرا که شما قوم فاسقی هستید) و بر دین خدا می شورید و از فرمان او به در می روید و نفاقتان اعمال نیکتان را پوچ و بیسود می گرداند .

خداوند در مورد منافقین با وجود انفاق کردن آنها می فرماید: **إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ**
مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيراً. (النساء/۱۴۵)

بیگمان منافقان در اعماق دوزخ و در پائین ترین مکان آن هستند و هرگز یابوری برای آنان نخواهی یافت (تا به فریادشان رسد و آنان را برهاند) .





صفوف کار گروهی جنبش، آمیخته از افراد گوناگون است...

با وجود چنین وضعیتی چندین نکته را یادآور می‌شویم که قابل تأمل است:

۱- وجود افکار و آرای مختلف در این فعالیت گروهی، مانند منافق، فاسق، کسی که نیت او خالص نیست و همچنین کسانی که در روز قیامت بدون هیچ سهم و بهره‌ای می‌باشند. این افراد در زمان پیامبر اکرم صلی الله و علیه و سلم نیز در ظاهر برای این رسالت الهی تلاش می‌کردند و حتی در میادین جهاد نیز شرکت می‌کردند.

۲- وجود چنین کسانی در این فعالیت دینی نباید مانع از تلاش و کوشش و در نتیجه کم‌کاری افراد جنبش شود همانگونه که در زمان پیامبر صلی الله و علیه و سلم با اینکه





چنین افرادی در سپاه اسلام وجود داشت ولی رسالت الهی هم چنان را هخود را می‌پیمود.

۳- کسی که به جنبش ملحق می‌شود یا اینکه در این راه مال و دارایی‌اش را می‌بخشد و خود را صالح معرفی می‌کند برای اعتماد به او این کار کافی نیست. مخصوصاً اگر دلایلی بر انحراف او وجود داشته باشد. اگر در زمان پیامبر صلی الله و علیه و سلم چنین کسانی وجود داشته‌اند پس در زمان ما باید بسیار بیشتر از این گونه افراد فاسق و منافق وجود داشته باشند. و صراحتاً پیامبر اکرم صلی الله و علیه و سلم می‌فرمایند: (لَا يَأْتِي عَلَيكُمْ زَمَانٌ إِلَّا وَالَّذِي بَعْدَهُ أَشْرَ مِنْهُ حَتَّى تَلْقُوا رَبَّكُمْ)^{۱۰} هیچ زمانی بر شما نمی‌گذرد مگر آنکه هر باری که بگذرد زمانه‌ای بدتر پیش روی شما خواهد بود و همچنان ادامه می‌یابد تا به لقای خداوند می‌رسید.

در اینجا هدف این است که مسلمان آگاه و هوشیار باشد خود را از انحرافی که ممکن است بدان دچار شود برحذر دارد. مبدا نیت او او تغییر کند و خلوص خود را از دست بدهد و نیت پاک او با هوی و هوس درونی مخروج شود و اگر چنین شد فوراً خود را پیدا کند تا به ضلالت کشیده نشود و به هیچ وجه اجازه ندهد که شیطان بر او تسلط یابد و عرصه را بر او تنگ کند.

پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرمایند: (إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ)^{۱۱} شیطان به مانند خون در رگ آدمی در جریان است.

همچنین می‌فرماید: (ثُمَّ يُبْعَثُونَ عَلَي نِيَاتِهِمْ)^{۱۲} هرکسی به هر نیتی بوده است به همان نیت زنده می‌شود. برای اینکه راه نیت پاک را به دست آوری به این حدیث که انس از پیامبر

^{۱۰}. رواه البخاری عن أنس

^{۱۱}. متفق علیه





نقل کرده است با جان و دل آن را فرا گیرید می فرماید: **وَإِنْ كَانَ الرَّجُلُ لَيَسْلِمُ مَا يُرِيدُ إِلَّا الدُّنْيَا. فَمَا يَلْبَثُ إِلَّا سَيْرًا حَتَّى يَكُونَ الْإِسْلَامَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا عَلَيْهَا**^{۱۳} گاهی اوقات انسان برای یک آرزوی دنیوی مسلمان می شود ولی مدتی که می گذرد چنان تغییر می کند که اسلام نزد او از هرچه در دنیا وجود دارد محبوب تر می شود.

پس بنابراین بر نیت خالصانه‌ی خود پافشاری کن تا پاداش زحمات خود را دریابی. زیرا اسلام پاداش قیامت را بر مبنای نیت پاک قرار داده است. پیامبر صلی الله وعلیه وسلم می فرماید: **(تَضَمَّنَ اللَّهُ لِمَنْ خَرَجَ فِي سَبِيلِهِ لَا يُخْرِجُهُ إِلَّا جِهَادٌ فِي سَبِيلِي وَإِيمَانٌ بِي وَتَصَدِيقٌ بِرَسُولِي فَهُوَ عَلَى ضَامِنٍ أَنْ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ أَرْجَعَهُ إِلَيَّ مَسْكِنَهُ الَّذِي خَرَجَ مِنْهُ نَائِلًا مَا نَالَ مِنْ أَجْرِ أَوْ غَنِيمَةٍ)**^{۱۴} خداوند خود ضامن کسی است که به خاطر رضای او از خانه و کاشانه‌ی خود بیرون رفته و در جهاد شرکت کند و به من ایمان داشته باشد و پیامبران مرا تصدیق کند. خداوند خود کفالت چنین کسی را می دهد که او را به بهشت وارد کند یا ادرا به منزل خود و در همان حال اولیة‌اش برگرداند و هرچه غنیمت به دست آورده است مال خود او می باشد.

خداوند می فرماید: **قُلْ إِنْ تَخْفَوْنَ مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبَدُّوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمَلَتْ مِنْ خَيْرٍ مَحْضَرًا وَمَا عَمَلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ . (آل عمران/۲۹ و ۳۰)**

بگو: اگر آنچه را که در سیننهایتان دارید پنهان سازید یا آشکار کنید، خداوند آن را میداند و خداوند آگاه از هر چیزی است که در آسمانها و زمین است، و خداوند بر هر

^{۱۲} . متفق علیه

^{۱۳} . رواه مسلم

^{۱۴} . رواه مسلم عن أبي هريرة





چیزی توانا است. (کسانی که از فرمان پروردگارشان سرپیچی میکنند ، بترسند از) روزی که هر کسی آنچه را از نیکی انجام داده است حاضر و آماده میبیند (و مایه سرور او میشود) و دوست میدارد کاش میان او و آنچه از بدی انجام داده است فاصله زیادی میبود (تا دیدار زشت آن را نبیند و به فرجام نامبارک آن ، دچار عقاب و عذاب نشود) ، و خداوند شما را از (نافرمانی) خودش برحذر میدارد ، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است (و با نافرمانی از او ، رحمت را به زحمت ، و نعمت را به نعمت تبدیل نکنید) .





تأثير راستگویی و پاکی دامن

برادر و خواهر گرامی در این آیه با دقت بنگر تا برایت مشخص شود که تاثیر نیت پاک چه قدر و چگونه است. مخصوصاً مقاومت در میان تقابل اندیشه‌ها و جنگ و قتل و همچنین فرو فرستاده شدن نصرت الهی بر مومنان.

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا . (فتح/ ۱۸ و ۱۹)



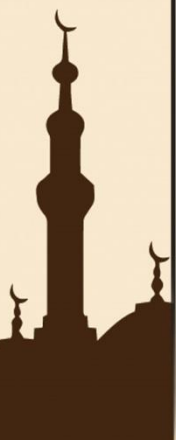


خداوند از مؤمنان راضی گردید همان دم که در زیر درخت با تو بیعت کردند . خدا می دانست آنچه را که در درون دل‌هایشان (از صداقت و ایمان و اخلاص و وفاداری به اسلام) نهفته بود ، لذا اطمینان خاطری به دل‌هایشان داد ، و فتح نزدیکی را (گذشته از نعمت سرمدی آخرت) پاداششان کرد . همراه با غنیمت‌های بسیاری که آن را بدست خواهند آورد . خداوند چیره شکست‌ناپذیر و فرزانه‌ای است که کارهایش بر اساس حکمت است .

هنگامی که خداوند می‌فرماید (فعلم ما قلوبهم) منظور در اینجا نیت پاک و خالص آنان بوده که نهایت وفاداری خود را نسبت به عهده‌ی که با رسول الله صلی الله علیه وسلم بستند نشان دادند این بیعت به بیعت رضوان مشهور است اساس این بیعت این بود که آرامش خود را حفظ کنند و حتی اگر کشته شوند میدان را خالی کنند و پا به فرار بگذارند . و پاداش فوری این نیت پاک نیز این است: فانزل السکینه علیهم . واضح است است که آرامش قلبی و درونی است هنگام مقابله با دشمنان که احساس شجاعت و تثبیت عقیده را در بر می‌گیرد.

همراه با این آرامش و شادی روح و اثابهم فتحا قریبا و مغانهم کثیره . آشکار است که این خیر و برکت و رزق و روزی نتیجه‌ی نیت پاک آنان است . زیرا خداوند پاداش کسانی را که دارای نیت پاک بوده‌اند در دنیا داده است تا بهتر و بیشتر راه و روش صراط مستقیم را یاد بگیرند و آنان را نصرت می‌بخشد برای تعهد و تعلق و اطاعت و فرمانبرداری بیشتر نسبت به خود.

نشانه‌ی صداقت و راستی نیز این است که مدح یا ذم از طرف دیگران تلاش و کوشش تو را در راه اعتلای دین الله نکاهد و از پرستش و عبادت نسبت به خدا ضعیف و بی‌نیاز





نشوی. همچنین هر چیزی که درون تو به آن نیاز داشته باشد چه آن را به تو بدهند یا از آن منع کنند تغییری در صداقت تو حاصل نشود.

همچنین باید در این راه ثابت قدم باشی و از افکار و اندیشه و مواضع خود عقب نکشی، هر چند شاید کسانی زمانی با تو بوده‌اند و تو را به حال خود واگذار کرده‌اند نباید از کم شدن تعداد یاوران ایمانی دلسرد نشوی.

خداوند می‌فرماید: **وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرِّسَالُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ.** (آل عمران/۱۴۴)

محمد جز پیغمبری نیست و پیش از او پیغمبرانی بوده و رفته اند؛ آیا اگر او (در جنگ اُحُد کشته می‌شد، یا مثل هر انسان دیگری وقتی) بمیرد یا کشته شود، آیا چرخ می‌زنید و به عقب برمی‌گردید (و با مرگ او اسلام را رها می‌سازید و به کفر و بت‌پرستی بازگشت می‌کنید)؟! و هر کس به عقب بازگردد (و ایمان را رها کرده و کفر را برگزیند) هرگز کوچکترین زیانی به خدا نمی‌رساند، (بلکه به خود ضرر می‌زند) و خدا به سپاسگزاران پاداش خواهد داد.

اگر آرامش درونی و تلاش و کوشش در راه دین و خلوص نیتت به وسیله‌ی یکی از این عوامل تغییر کرد پس بدان که برای خدا و در راه خدا کار نکرده‌ای.





کارگروهی جنبش،

عمل صالح به حساب می آید

همراه با نیت پاک، برادر و خواهر مسلمان باید این را بدانند که هر کاری که در راه فعالیت این جنبش انجام می دهد کم باشد یا زیادان شالله جز اعمال صالحه است و پاداش آن عمل صالح را دریافت خواهند کرد. هر چند که این فعالیت آنان به نیجه رسیده باشد یا نه. زیرا خداوند در مورد مجاهدان می فرماید.

وَلَا يَنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ . (توبه/۱۲۱)



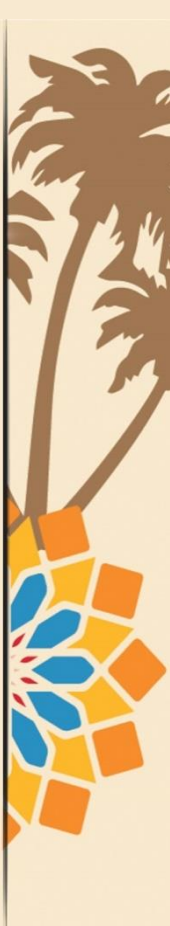


(همچنين مجاهدان راه حق) هيچ خرجي خواه كم خواه زياد نمي كنند ، و هيچ سرزميني را (در رفت و برگشت از جهاد) نمي سپرند ، مگر اين كه (پاداش آن) براي شان نوشته مي شود ، تا (از اين راه) خداوند پاداشي نيكوتر از كاري كه مي كنند بدیشان دهد .

به اميد اينكه خداوند متعال كار و تلاش ما را در جنبش مشمول برکت و بزرگی اين آيه قرار دهد. زيرا كار و فعاليت در جنبش نيز در اين غربت اسلام در اروپا به كلي و در كردستان مخصوصاً كاري بس دشوار است و اين مردم جوانمرد و متواضع را كه زير بار اين فعاليت رفته اند همگي به خاطر نيت پاك و احساس مسئوليت قيامتي و آوردن دوباره حكم شرع به جنب و جوش انداخته است.

غربت و آوارگي و زندان و شکنجه و نبودن حامی و پشتیبان و اذیت و آزار و انفاق ثروت همگي در راه خداوند است و علت همه ي اين آزار و اذیت، بلند کردن پرچم توحید و جهاد است. اين كار ما باعث ناراحتي و آزرديگي خاطر دشمنان خداوند است، ما بر اين ديده گاه هستيم كه آماده كردن خود و فعاليت گروهی جنبش نيز جز عبادت است و هيچ تفاوتی با نماز و روزه هايمان ندارد و لازم است كه اين باور در دل درون تمام مسلمانان ريشه بدواند و در زندگي روزمره آثار خود را نشان دهد تا در درون خود اين احساس را به دست آورد اين كاري كه انجام مي دهد فرمانی از جانب خداوند است و او مشغول به اجراء آن است زيرا اين كار فرمانی است كه خداوند مي فرمايد: **وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ.** (انفال/۶۰)

برای (مبارزه با) آنان تا آنجا كه مي توانيد نيروي (مادي و معنوي) و (از جمله) اسبهاي ورزيده آماده سازيد ، تا بدان (آمادگي و ساز و برگ جنگي) دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانيد ، و كسان ديگري جز آنان را نيز به هراس اندازيد كه ايشان را





نمی شناسید و خدا آنان را می شناسد . هر آنچه را در راه خدا (از جمله تجهیزات جنگی و تقویت بنیه دفاعی و نظامی اسلامی) صرف کنید ، پاداش آن به تمام و کمال به شما داده می شود و هیچ گونه ستمی نمی بینید .

کار گروهی جنبش و تلاش برای موفقیت آن یکی از راه های نزدیک شدن به خداست. اگر صادقانه کار کنیم و تعالیم روزانه آن را انجام دهیم پیشرفت می کنیم و به عنوان سنگر نشینی و نگهبانی در راه جهاد محسوب خواهد شد ان شاءالله.

پیامبر صلی الله و علیه و سلم می فرماید: (رِبَاطُ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَقِيَامِهِ، وَإِنْ مَاتَ فِيهِ أُجْرِي عَلَيْهِ عَمَلُهُ الَّذِي كَانَ يَعْمَلُ وَأُجْرِي عَلَيْهِ رِزْقُهُ وَأَمِنَ الْفِتَانَ)^{۱۵}. نگهبانی و سنگر نشینی یک شبانه روز بهتر از روزه یک ماه و نماز خواندن در آن است. فرد سنگر نشین هنگامی که می میرد کارهای صالحی که قبل از مرگ انجام داده همچنان برایش نوشته می شود و روزی او مسجل است و از عذاب قبر و پرسش نکیر و منکر در امان می ماند. این جواب رسول الله صلی الله و علیه و سلم که در جواب مردی که می خواست گوشه گیری کند فرمود: (لَا تَفْعَلْ. فَإِنَّ مَقَامَ أَحَدِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ سَبْعِينَ عَامًا. أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفَرَ اللَّهُ لَكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ الْجَنَّةَ؟ اغزوا في سبيل الله. مَنْ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَوَاقٍ نَاقَةً وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ)^{۱۶}. این را مکن زیرا جایگاه یکی از شما در میدان جهاد و تلاشش در راه خدا بهتر از هفتاد سال نماز خواندن در خانه خودتان است، مگر شما دوست ندارید خداوند شما را ببخشد و به بهشت داخل گرداند؟ کسی که در راه خدا به اندازه ی فاصله ی زمان دوشیدن شیر شتر جهاد کند، واجب است که بهشت نصیب او گردد.

^{۱۵} . رواه مسلم عن سلمان

^{۱۶} . رواه الترمذی وحسنه عن أبي هريرة





همین طور ابوهریره (رضی الله عنه) از پیامبر صلی الله و علیه و سلم نقل کرده است که: (ما يَعْدِلُ الْجِهَادَ..؟) چکاری همسنگ جهاد است؟ فرمود: (لا تَسْتَطِيعُونَهُ) از عهدهی آن بر نمی آید. دو بار یا سه بار این سوال را تکرار کردند ولی ایشان فرمود: (لا تَسْتَطِيعُونَهُ) نمی توانید. سپس فرمود: (مَثَلُ الْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْقَانِتِ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَفْتُرُ مِنْ صَلَاةٍ وَلَا صِيَامٍ حَتَّى يَرْجَعَ الْمَجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ)^{۱۷}. نمونهی مجاهدی که در راه خدا تلاش می کند همانند کسی است که همیشه روزه بگیرد و همواره نماز شب را ادا کند و فرمانبرداری اوامر خداوند باشد تا آن زمان که مجاهد از جهادش بازگردد.

شیخ الاسلام ابن تیمیه می فرماید: سنگر نشینی و نگهبانی بهتر و افضل تر از حج سنت و عمره و عبادت دیگر در داخل کعبه است. در حالی که نمازش بهتر از هزار نماز در جاهای دیگر است. دلیل برای حرفش کلام خداوند است که می فرماید: **أَجَعَلْتُمْ سَقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأَوْلَىٰكَ هُمُ الْفَائِزُونَ.** (توبه/۱۹ و ۲۰)

امام مسلم دربارهی شان نزول این آیه از نعمان بن بشیر نقل کرده است که اصحاب پیامبر صلی الله و علیه و سلم روزی بر سر این مساله که چه عبادتی نزد خداوند افضل و بهتر است؟ این آیه نازل شد.

در جایی دیگر نیز می فرماید: علما تا جایی که من بدانم در این مساله اتفاق دارند که هیچ چیزی از سنگر نشینی بهتر نیست، سنگر نشینی بهتر از حج و نماز و روزهی سنت است.

^{۱۷} . متفق علیه واللفظ لمسلم





سنگرنشینی (الرباط) و کارگروهی جنبش

سنگرنشینی در راه از زندگی کردن در مکه و مدینه و مسجدالقصی بهتر است. به این خاطر بود که ابوهریره می فرمود: لَإِنْ أُرَابِطَ لَيْلَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُوَافِقَ لَيْلَةً الْقَدْرِ عِنْدَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ) اگر شبی در راه خدا سنگرنشین باشم آن را بیشتر دوست دارم تا در شب قدر در کنار حجرالاسود تا صبح به خداپرستی مشغول شوم. این صحابی یک شب سنگرنشینی را به عبادت خداوند در مبارکترین شب و مقدسترین مکان ترجیح می دهد.





به همین خاطر بود که پیامبر صلی الله و علیه و سلم و یارانش دوست داشتند تا در مدینه بمانند و به مکه برنگردند هر چند که مکه زادگاه آنان بود زیرا می دانستند که ماندن در مدینه حکم سنگر نشینی در راه خدا بود. سنگر نشینی آن است که تو در جایی هستی که دشمن بیم حمله از جانب تو را دارد و تو نیز از حمله او می ترسی. بی شک این کار وابسته به نست پاک صاحب آن است. از این رو مانیز امیدواریم که کار و فعالیتیمان در این جنبش به عنوان سنگر نشینی یا حداقل نزدیک به آن محسوب شود. زیرا ما شب‌هایی را که نمی‌خواهیم و به کار در این جنبش مشغولیم برای دفاع از ارزش‌های اسلام استان شا الله.

پیامبر صلی الله علیه و سلم درباره‌ی سنگر نشینی می‌فرمود: (رِبَاطٌ يَوْمٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ يَوْمٍ فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الْمَنَازِلِ)^{۱۸}. سنگر نشینی یک روز در راه خدا بهتر از ماندن هزار روز در جایی دیگر است.

همچنین در صحیح مسلم از سلمان فارسی نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: (رِبَاطٌ يَوْمٌ وَلَيْلَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ صِيَامِ شَهْرٍ وَقِيَامِهِ وَمَنْ مَاتَ مُرَابِطًا أُجْرِي عَلَيْهِ عَمَلُهُ وَأُجْرِي عَلَيْهِ رِزْقُهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَأَمِنَ الْفِتَانَ) سنگر نشینی یک شبانه روز در راه خدا بهتر از روزه گرفتن خواندن نماز تهجد یک ماه است. هر کسی نیز سنگر نشینی بمیرد پاداش تمام اعمال قبلی نیز به او می‌رسد و رزق و روزی بهشتی شامل حالش می‌شود و تز سوال و جواب نکیر و منکر نیز رستگار می‌شود. اگر این همه نعمت پاداش سنگر نشینی باشد پس پاداش جهاد کردن باید چه اندازه باشد.

ابن قدام می‌فرماید: امام احمد ابن حنبل می‌فرمود: براین باورم که بعد از فرایض بهترین عمل جهاد است برخی دیگر نیز از همراهان امام احمد به همان شیوه از او نقل کرده‌اند. از

^{۱۸}. رواه أهل السنن وصحوه.





جمله الاثرم می فرمود: امام احمد می فرمود: براین باورم که بهتر از سنگر نشینی وجود ندارد. فضل ابن زیر نیز می فرماید: هنگامی که در مورد جهاد حرفی نزد ابو عبدالله می زدم گریه اش می گرفت زیرا می فرمود هیچ عمل خیری بهتر از آن نیست. برخی دیگر از امام احمد نقل کرده اند که می فرمود کاری بهتر از مقابله با دشمن وجود ندارد.

کار گروهی و ایثار بهترین عمل است. کسانی که در برابر دشمن می ایستند از مقدسات و آبروی مسلمانان دفاع می کنند سپس با این وجود چه عملی بهتر از این وجود دارد؟

مردم در امان و رفاه اند در حالی که مجاهد در بحبوحه ی ترس و وحشت قرار دارد و هر آنچه دارد می بخشد. جهاد بخشیدن جان و مال است و نفع آن نیز عاید مسلمانان از بزرگ و کوچک گرفته تا زن و مرد ضعیف و توانا می شود. به همین خاطر هیچ کاری را سراغ ندارم که دشوارتر و سخت تر در آن واحد پر منفعت تر از جهاد و به این دلیل است که پاداش آن از تمام اعمال صالح بیشتر است.

امام سرخسی در شرح کتاب (السير الكبير) امام محمد بن حسن شیبانی می فرماید: معاویه بن قوره از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل کرده است: (فِي كُلِّ أُمَّةٍ رُهْبَانِيَّةٌ، وَرُهْبَانِيَّةُ هَذِهِ الْأُمَّةِ الْجِهَادُ) در تمامی امت ها گوشه گیری و خلوت نشینی وجود دارد، که در اسلام نوعی جهاد به شمار می آید. سرخسی می فرماید: در امت های پیشین کناره گیری به معنای از خود بریدن و خود صرف عبادت کردن بود، همچنین جدایی از مردم و رفتن به مکان های خلوت همچون غارها و کوه ها برای عبادت و ترک دنیا بود اما پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: این نوع گوشه گیری از فرهنگ امت اسلامی نیست و آن را معنایی تازه بخشید زیرا آن را شرح داده که گوشه گیری و خلوت نشینی در اسلام ممنوع است. گوشه گیری در اسلام زندگی کردن با مردم است و تلاش برای رسیدن به قله اسلام که جهاد است. واضح تر بگوییم که پیامبر صلی الله علیه و سلم جهاد را به عنوان قله ی





اسلام قرار داده است و مقدمه‌ی این کار امر به معروف و نهی از منکر است که باید ویژگی همیشه‌ی این امت باشد. اگر مسلمانی در میانه‌ی این شروع و هدف که پیشه‌ی خود ساخته شهید شود به بالاترین جایگاه خلوت نشینی شرعی می‌رسد به همین خاطر نرفتن به جهاد و گوشه نشینی و از مردم بریدن به بهانه‌ی عبادت خداوند صحیح نیست. این حيله و نیرنگ هوی و هوس است. این همانگونه که امام ابن قیم می‌فرماید: مانع ششم از موانع شیطان است که در راه آدمی قرار می‌دهد. ششمین مورد از موانع شیطان عبارت است از زینت دادن به برخی کارها تا فرصت انجام دادن کارهای مهم تر از دست برود، به عبادت مشغولش می‌کند تا جهاد را از دست بدهد. اولی را بهتر و شیرین تر جلوه می‌دهد تا پاداش بیشتر را از او سلب کند حداقل کارش این است که او را از گرفتن تمام پاداش عمل بازمی‌دارد، او را به کار مهم مشغول می‌کند تا مهم تر را از دست بدهد. او را به کاری مشغول می‌کند که نزد خدا پسندیده است اما محبوب‌ترین کار نزد الله را از او سلب می‌کند مادامی که نمی‌تواند او را از عمل صالح منع می‌کند حداقل کاری می‌کند تا بهترین پاداش‌ها را به دست نیاورد.

تنها کسانی بر این مکر شیطان غلبه می‌کنند که عالم و کاردان باشند کسانی که دارای فکری باز هستند و مقید به احکام شریعت و هر چیزی را در جای خود قرار می‌دهند. از جهتی این برای روشن کردن پله‌های ایمان است که بهتر و بهترین را نشان دهد و این نکته ای واضح در عقیده‌ی اهل سنت و جماعت است، دلایل دیگری نیز در این مساله وجود دارد که پیامبر صلی الله علیه و سلم می‌فرماید: (الإيمان بضعٌ وسبعونَ _ أو بضعٌ وستونَ _ شعبةٌ فأفضلها قولٌ لا اله الا الله وأدناها إماطةُ الأذى عن الطريقِ. والحياءُ شعبةٌ من





الایمان^{۱۹}) ایمان هفتاد و اندی قسمت است که بهترین آن گفتن لا اله الا الله و کمترین آن رفع اذیت و آزار از راه مسلمانان است و حیا نیز شعبه ای از ایمان است.

از جهتی دیگر مزدهای به مجاهدان است که آنان را از غم و ناراحتی از دست دادن نماز سنت، روزهی سنت، از کار و قرآن خواندنی که قبلاً انجام می‌دادند می‌رهاند، به آنان می‌فهماند که هیچ ناراحتی‌ای به خود راه ندهند زیرا پاداش جهاد را به دست آورده‌اید و هم پاداش عبادت‌هایی که قبلاً انجام می‌داده‌اید. به خاطر این دلنوازی است که پیامبر صلی الله و علیه و سلم می‌فرماید: (إِذَا مَرِضَ الْعَبْدُ أَوْ سَافَرَ كُتِبَ لَهُ مِثْلُ مَا كَانَ يَعْمَلُ مُقِيمًا صَحِيحًا)^{۲۰} اگر کسی مریض شد یا مسافر بود (در این حالت عبادات او کمتر می‌شود) پاداش کارهایی که قبل از سفر یا مریضی انجام می‌داد برای او نوشته می‌شود.

^{۱۹}. رواه مسلم عن أبي هريرة.

^{۲۰}. رواه البخاری عن أبي موسى الأشعری.





کارها در به اتمام رساندن شناخته می شوند

کسانی که فرصت کار گروهی و خود را آماده کردن برایشان مهیا شده است لازم است سپاس و ستایش خداوند را بجا بیاوردند که این نعمت بزرگ را به آنها بخشیده است در حالی که اکثر مردم از آن محروم اند. ببینید پیامبر گرامی اسلام صلی الله و علیه و سلم چگونه و چطور در این باره می فرماید: **مَا اغْبَرَّتْ قَدَمًا عَبْدٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَمَسَّهُ**





النَّارِ^{۲۱} قدم‌های هر بنده ای که در راه خدا خاک آلود می‌شود آتش دوزخ آن را نمی‌سوزاند.

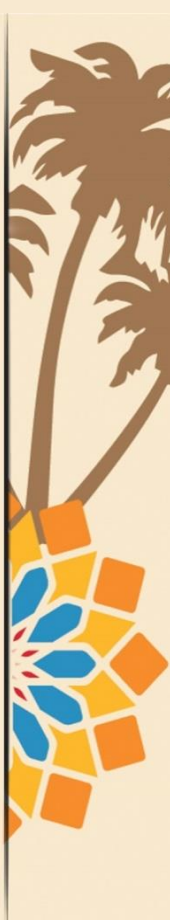
همچنین می‌فرماید: (مَنْ قَاتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ فَوَاقٍ نَاقَةَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ) آن فرد مسلمانی که به اندازه‌ی فاصله‌ی زمانی دو بار دوشیدن شیر شتر در راه خدا بجنگد بهشت را بر خود فرض کرده است.

بدان که تمام این پاداش‌ها که در این احادیث آماده‌اند همانطور که قبلاً گفتیم وابسته به نیت پاک صاحب آن است. قبلاً خواندیم که چندین نفر در خدمت پیامبر صلی الله وعلیه وسلم بودند و مشغول جهاد بودند در حالی که درباره‌ی آنان می‌فرمود: آنان دوزخی‌اند.

مانند آن فردی که به غزوات می‌رفت به خاطر اینکه به او بگویند شجاع است. از این گونه افراد داریم که در هنگام دعوت و کار گروهی، آماده سازی و جهاد کردن نیت پاک خود را با غرور و تکبر، منت نهادن، ریا، خیانت و دزدی به نیت ناپاک تبدیل می‌کند. کسانی نیز هستند که بعد از کار گروهی با آماده سازی و سنگر نشینی و جهاد و بعد از طی مراحل از زندگی نیت خود را آلوده می‌کنند مانند آن حدیثی که مرفوع است و ابن مسعود نقل کرده است که فرمودند: (فَوَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُهُ إِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ حَتَّىٰ مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ فَيَدْخُلُهَا. وَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ النَّارِ حَتَّىٰ مَا يَكُونُ بَيْنَهُ وَبَيْنَهَا إِلَّا ذِرَاعٌ فَيَسْبِقُ عَلَيْهِ الْكِتَابُ فَيَعْمَلُ بِعَمَلِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَيَدْخُلُهَا)^{۲۲} قسم به خداوندی که جز او معبود دیگری نیست برخی از شما هر کاری انجام می‌دهد کار و رفتار اهل بهشت است تا جایی می‌رسد که به اندازه‌ی یک ذراع با بهشت فاصله دارد و سرنوشتش از او پیشی می‌گیرد و به کار و رفتار اهل دوزخ مشغول می‌شود و سرانجام به دوزخ وارد می‌شود. برخی دیگر نیز هستند هر کار و رفتاری انجام می‌دهند به مانند کار رفتار اهل دوزخ است تا

^{۲۱} . رواه البخاری عن عبد الرحمن بن جُبَيْرٍ

^{۲۲} . متفق عليه .





به جایی می‌رسد که یک ذراع با دوزخ فاصله دارد و سرنوشتش از او پیشی می‌گیرد و کار و رفتار به کار و رفتار اهل بهشت تبدیل می‌شود و سرانجام به اهل بهشت ملحق می‌گردد و وارد بهشت وسیع خداوندی می‌شود.

همچنین پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (إِنَّ الْعَبْدَ لَيَعْمَلُ عَمَلًا أَهْلِ النَّارِ وَإِنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَيَعْمَلُ عَمَلًا أَهْلِ الْجَنَّةِ وَإِنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ وَإِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالْخَوَاتِيمِ)^{۲۳} کسانی هستند که کار و رفتار اهل دوزخ را انجام می‌دهند در حالی که بهشتی هستند و کسانی هستند که کار و رفتار اهل بهشت را انجام می‌دهند در حالی که دوزخی‌اند. سرانجام و عاقبت به آخر آن بستگی دارد.

ابن حجر عقلانی در شرح این حدیث می‌فرماید: ابن بطال فرموده است: پند و حکمت‌های بی شماری در نهان و عالم جهل سرانجام و عاقبت بشر وجود دارد زیرا اگر کسی می‌دانست که انسان صالحی است و بهشتی می‌باشد انسانی تنبل و مغرور از آب در می‌آمد و اگر هم می‌دانست که انسانی فاجر است بدبین و نا امید از رحمت خدا زندگی می‌کرد سر انجام و عاقبت بشر پنهان است تا انسان همیشه ما بین خوف و رجاء زندگی کند.

پس بنابراین بر پاداش کار گروهی و آماده سازی نفس خود پا فشاری کن تا آن را از دست ندهی مگر نمی‌بینی که چندین نفر در خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم بودند با ایشان جهاد کردند ولی درباره‌ی آنان می‌فرمود دوزخی‌اند. چندین نفر دیگر نیز بودند که در مدت زندگی پیامبر صلی الله علیه وسلم با ایشان بودند اما بعد از فوت ایشان به جاهلیت سابق برگشتند و این نمونه‌ی عاقبت شری است که بعد از اعمال صالح به وجود می‌آید.

^{۲۳} . رواه البخاری عن سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ





از طرفی دیگر به سر انجام کسی بنگر که صد نفر را به قتل رساندو هنگامی که توبه کرد خداوند توبه‌اش را قبول کرد یا به ساحران زمان موسی بنگر که ابن کثیر در تفسیر خود می‌فرماید: صبح همان روز همگی ساحر بودند در حالی که غروب آن روز همگی مسلمان شهید شدند و این فضل خداوند است و به هر کسی که بخواهد می‌بخشد، و او نیز صاحب فضل و نعمت بی پایان است خداوند می‌فرماید: **(وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ)** (مومنون ۶۰)

ابن کثیر در تفسیر خود می‌فرماید: امام احمد از مومنین عایشه رضی الله عنها نقل کرده است که ایشان از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید: **(وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ)** آیا منظور کسانی که دزدی و زنا می‌کنند و شراب می‌خورند در حالی که از خدا می‌ترسند؟

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: **(لَا يَا بِنْتَ الصَّدِيقِ وَلَكِنَّهُ الَّذِي يُصَلِّي وَيَصُومُ وَيَتَصَدَّقُ وَهُوَ يَخَافُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ)**^{۲۴} نه ای دختر صدیق، منظور کسانی است که نماز می‌خوانند، روزه می‌گیرند و زکات و صدقه می‌دهند با این وجود باز هم از خدا می‌ترسند. در روایتی دیگر با همان سند آمده است که: **(لَا يَا بِنْتَ الصَّدِيقِ وَلَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يَصْلُونَ وَيَصُومُونَ وَيَتَصَدَّقُونَ وَهُمْ يَخَافُونَ أَلَّا يَتَقَبَّلَ مِنْهُمْ)** نه ای دختر صدیق، منظور کسانی است که نماز می‌خوانند، روزه می‌گیرند، مال و سامان خود را می‌بخشند ولی ترس از این دارند که خدا اعمال آنان را قبول نکند.

کسانی که در احادیث شرح حالشان آمده است به دو دلیل می‌ترسند که عملشان مورد قبول حق واقع نشود. اول اینکه: تمام اعمال انسان عاقبت آن مهم است و آنان نیز نمی‌دانند عاقبت کارشان چه خواهد بود

^{۲۴} . رواه الترمذی وابن ابی حاتم عن طریق مالک بن مغول





دوم اینکه: اگر اعمال و رفتارشان به ظاهر عاقبت خوبی داشته باشد نمی دانند که آیا مورد قبول واقع می شود یا خیر؟

کارهای زیادی وجود دارد که در ظاهر زیبا و پسندیده و مقبول است اما به خاطر یک بیماری ویرانگر درونی همچون ریا، تکبر و از خود راضی بودن، منت و آزار و اذیت دیگران و حرام خواری خداوند آن کارها را قبول نکرده است. ولی اگر اعمال و رفتار آدمی از این نوع بیماری های درونی پاک باشد آن گاه مشمول رحمت ابدی خداوند می شود. همان طور که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید (لَنْ يَنْجُوَ أَحَدٌ بِعَمَلِهِ)^{۲۵}. هیچ کس به وسیله ی عمل خود وارد بهشت نمی شود. همچنین می فرماید: (سَدُّوْا وَقَارِبُوا وَأَبْشِرُوا فَإِنَّهُ لَا يُدْخِلُ أَحَدًا الْجَنَّةَ عَمَلُهُ. قَالُوا: وَلَا أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ: وَلَا أَنَا. إِلَّا أَنْ يَتَغَمَّدَنِي اللَّهُ بِمَغْفِرَةٍ وَرَحْمَةٍ)^{۲۶} با هم دیگر سازگار باشید و خویشاوندیتان را حفظ کنید و مژده دهنده باشید به راستی هیچ کس با عمل خود وارد بهشت نمی شود، عرض کردند شما نیز ای پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم؟ فرمودند: بله مگر اینکه خداوند مرا مشمول عفو و رحمت و مغفرت خود قرار دهد.

ابن حجر در این باره می فرماید: هیچ کس با عمل خود به بهشت وارد نمی شود، بلکه باید حتما مورد رحمت و مغفرت خداوند قرار بگیرد.

ابن جوزی می فرماید: از این مسئله جواب چهار سوال دریافت می کنیم:

۱. ارشاد و هدایت به کار خیر تنها از رحمت خداوند ناشی می شود، اگر هم رحم و محبت خدائند نبود نه ایمان در دل مومنان جای می گرفتو نه اطاعت و فرمان برداری بوجود می آمد در حالی رستگاری بشر در این دو مورد است

^{۲۵}. رواه مسلم عن أبي هريرة

^{۲۶}. رواه البخاری عن عائشة






۲. سود و فایده‌ی کار و عمل بنده و برده باید برای آقا و سید خود باشد، او هر پاداشی به او بدهد به خاطر فضل بزرگی ایشان است.

۳. در حدیث آمده است که ورود به بهشت به خاطر رحم و محبت و مغفرت خداوند است اما به دست آوردن بالاترین جایگاه بهشت و رفتن از پله‌های ترقی به فردوس اعلی بستگی به رفتار و عمل شخص دارد

۴. عبادت زمان مشخص خود را دارد ولی پاداش آن نامتناهی و ابدی است.

باید همه‌ی این مسائل را درک کنیم، لازم است افراد جنبش با اعمال صالح پاداش اینکار گروهی را به دست آورد و با انجام دادن اعمال ریاکارانه مانع از رسیدن پاداش عمل نشود و فرقی ندارد چه در میدان کار و جهاد باشد یا در سایر مراحل زندگی اش، نیت خود را خالص بگرداند و مقید فرمان الهی باشد تا به دیدار خداوند شاد شود. خداوند ما را از عاقبت شر محفوظ بدارد و عاقبت خیر را نصیب همه‌ی ما بگرداند. آمین





اهل جنبش و منافع دنیوی

برادری سوال پرسیده است که اگر کسی از اهل جنبش حقوق یا کمک مالی دریافت کند و برای خود یازن و فرزندش صرف کند، آیا این امر از پاداش کار گروهی او کم خواهد کرد؟ در حالی که هدفی جز اعتلای دین الله نداشته باشد؟

جواب: بله، هر نوع نفع مادی که نصیب یکی از اعضای جنبش می شود و هر چند مشغول به فعالیت باشد و این منافع دنیوی را به خاطر کار و فعالیتش قرار نداده باشد از پاداش اخروی او می کاهد نیت کسانی که مشغول کار گروهی، آماده سازی نفس خود و جهاد هستند چهار حالت دارد: اول کسی که وارد کار گروهی شده ولی هدفش اعتلای دین الله





نیست بلکه هدفش به دست آوردن منافع مادی یا کسب جایگاه و مقام است یا به دنبال کسب شهرت می‌باشد و یا این که برای جاسوسی مسلمنان آمده است یا در پی قتل یکی از اعضای جنبش است این نوع افراد در جهنم‌اند پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: (قَالَ قَاتَلْتُ فِيكَ حَتَّى أُسْتَشْهِدْتُ. قَالَ كَذَّبْتَ وَلَكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِأَنْ يُقَالَ جَرِيٌّ فَقَدْ قِيلَ. ثُمَّ أُمِرَ بِهِ فَسُجِبَ عَلَيَّ وَجْهَهُ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ)^{۲۷}. این شخص می‌گوید خداوند تا مرحله‌ی شهادت در راه تو جهاد کردم خداوند می‌فرماید دروغ گفتی به این خاطر می‌جنگیدی تا به تو بگویند شجاع و دلیر است پس گفتند سپس حکم او را صادر می‌کنند و بر روی صورت کشان کشان او را به دوزخ می‌افکنند.

با وجود نیت بدش ممکن است دین به وسیله‌ی چنین کسانی اعتلا یابد مانند حدیثی که برای ما روشن می‌کند و می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ لَيُؤَيِّدُ هَذَا الدِّينَ بِالرَّجُلِ الْفَاجِرِ)^{۲۸}. خداوند دین خود را به وسیله‌ی انسان‌های فاجر و فاسد اعتلا می‌دهد.

در روایتی دیگر: (ان الله عزَّ وجلَّ سيؤيد هذا الدين بأقوام لا خلاق لهم)^{۲۹} خداوند خود را به وسیله‌ی کسانی اعتلا می‌دهد که در روز قیامت هیچ بهره و نصیبی نخواهند داشت.

دوم: کسی که برای خدا کار می‌کند اما در همان حال هدفش به دست آوردن منافع دنیوی و پست و مقام است، او نیز هیچ پاداشی ندارد. دلیل این حرف نیز فرموده‌ی پیامبر صلی الله علیه و سلم است که صفایی و ابو امامه (به سند جيد) نقل کرده‌اند که: (جَاءَ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَرَأَيْتَ رَجُلًا غَزَا يَلْتَمِسُ الْأَجْرَ وَالذِّكْرَ. مَا لَهُ؟ قَالَ: صَلي الله عليه وسلم لا شَيْءَ. فَأَعَادَهَا ثَلَاثًا، كُلُّ ذَلِكَ يَقُولُ: لا شَيْءَ لَهُ. ثُمَّ قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صَلي الله عليه وسلم إِنَّ اللَّهَ لا يَقْبَلُ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ خَالِيًا أَبْتِغَى بِهِ وَجْهَهُ) فردی به خدمت رسول الله آمد و پرسید

^{۲۷}. رواه مسلم عن أبي هريره

^{۲۸}. رواه البخاري عن أبي هريره

^{۲۹}. رواه نه حمده والطبراني عن أبي بكره ورجالهما بقاه/ مجمع الزوائد ۳۰/۵





اگر کسی به نیت گرفتن غنیمت و کسب شهرت به جهاد برود چه حکمی دارد؟ فرمودند: هیچ پاداشی نخواهد داشت، آن فرد سه بار آن سوال را پرسید و ایشان فرمودند هیچ پاداشی نخواهند داشت، سپس فرمودند خداوند عملی را قبول خواهند کرد که فقط به خاطر رضایت ایشان انجام شده باشد.

سوم: کسی که در کار گروهی و جنبش سهیم است و هدف او نیز تنها اعتلای دین الله است ولی قسمتی از پاداش دنیوی را به دست آورده است. پاداش این فرد نزد الله مسجل است اما به نسبت پولی که دریافت کرده است از پاداش او کم خواهد شد.

چهارم: کسی که مشغول فعالیت و کار گروهی در جنبش است و هدفش تنها اعتلای دین الله می باشد و هیچ نفع مادی و پست و مقام عاید او نشده است این فرد تمام پاداش مژده داده شده را دریافت می کند.

از این مبحث چند نکته به دست می آید:

— کمترین این افراد کسی است که کار خود را بدون هیچ آزار و اذیت و بدون اینکه مالش را از دست بدهد به اتمام رسانده است.

— و بهترین آنان نیز کسی است که در راه خدا جان و مالش را از دست داده باشد. در میان این دو طیف نیز کسانی هستند که شهید یا زخمی شده اند.

سند حالت سوم و چهارم در حدیثی که عبدالله پسر عاص پسر مسلم نقل کرده است موجود می باشد که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (مَا مِنْ غَازِيَةٍ تَغْزُو فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَصِيبُونَ الْغَنِيمَةَ إِلَّا تَعَجَّلُوا ثُلُثِي أَجْرِهِمْ مِنَ الْآخِرَةِ وَيَبْقَى لَهُمُ الثُّلُثُ وَإِنْ لَمْ يُصِيبُوا غَنِيمَةً تَمَّ لَهُمْ أَجْرُهُمْ)^{۳۰}. هر گروهی که در راه خدا بجنگد و غنیمت بدست بیاورد دو سوم پاداش

^{۳۰}. رواه مسلم.





را از دست می دهند و یک سوم باقی می ماند و اگر هیچ غنیمتی به دست نیاوردند تمام پاداش را دریافت خواهند کرد.

در روایتی دیگر فرموده است: (مَا مِنْ غَازِيَةٍ أَوْ سَرِيَّةٍ تَغْزُو فَتَغْنَمُ وَتَسْلَمُ إِلَّا كَانُوا قَدْ تَعَجَّلُوا ثَلَاثِي أَجُورِهِمْ. وَمَا مِنْ غَازِيَةٍ أَوْ سَرِيَّةٍ تُخْفِقُ وَتُصَابُ إِلَّا تَمَّ أَجُورُهُمْ) هر گروهی به جهاد بروند و سپس جان سالم به در برند و با خود غنیمتی بیاورند آن گاه دو سوم پاداش را از دست خواهند داد و هر گروهی نیز به جهاد بروند و هیچ غنیمتی با خود نیاورند آن گاه تمام پاداش را دریافت خواهند کرد.

و این سندی واضح و دلیلی روشن است که هرکسی با نیت پاک فعالیت جنبش را انجام دهد و اگر پول در این راه کسب کرد دو سوم پاداش قیامتش را از دست می دهد (حالت سوم)

ولی اگر هیچ نفعی عاید او نشد آن گاه تمام پاداش قیامت را به دست می آورد (حالت چهارم)

امام بخاری در کتاب (فرض الخمس) صحیح خود در زیر عنوان کسی که به خاطر غنیمت جهاد کند از پاداشش کم می شود؟ امام بخاری به همین شکل عنوان را نوشته است. حدیثی نقل می کند از ابو موسی اشعری که می فرماید پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: (مَنْ قَاتَلَ لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعَلِيَا) بدون اینکه شرح و تفسیری ارائه دهد، حرفش را ادامه نداد. اما بعدها ابن حجر آن را شرح داده و تمام حالات را بر شمرده ولی احکام آن را مشخص نکرده است.

اما امام نووی در شرح حدیث عبدالله ابن عمرو حکمی واضح در این مساله داده است. در شرح حدیث عبدالله بی گمان مشخص است که پاداش مجاهدانی که با غنیمت





بازگشته‌اند نسبت به کسانی که غنیمت با خود همراه نیاورده‌اند کمتر است زیرا غنیمت با خود قسمتی از پاداش آن‌هاست. اگر غنیمت بدست آورده‌اند آن گاه دو سوم پاداش را در دنیا دریافت کرده‌اند و این با سایر احادیث که اصحاب روایت کرده‌اند (مِنَّا مَنْ مَاتَ وَكَمْ يَأْكُلُ مِنْ أَجْرِهِ شَيْئًا، وَمِنَّا مَنْ أَيْنَعَتْ لَهُ ثَمَرَتُهُ فَهُوَ يَهْدِيهَا) هم خوانی دارد. کسانی بودند که از دنیا رفتند و از غنیمت دنیوی چیزی عایدشان نشد و کسانی نیز بودند که مشغول برداشت حاصل از غنیمت بودند. و این حکمی است که هیچ دلیلی بر رد آن وجود ندارد.

قاضی عیاض در تفسیر این حدیث بعد از آوردن رای مختلف علما به این نتیجه رسیده است که می‌فرماید: برخی از علما فرموده‌اند که این حدیث صحیح نیست زیرا دریافت غنیمت باعث کاهش پاداش پیروان جنبش نمی‌شود. زیرا اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم در غزه‌ی بدر غنیمت دریافت کردند و هیچ چیز از پاداش آنان نیز کم نشد در حالی که خود آنان بهترین مجاهدان و غنیمت آنان بهترین غنایم بود. علمایی که می‌فرمایند سند این حدیث ضعیف است می‌فرمایند در سلسله راویان این حدیث شخصی به نام ابو هانی حمید بن هانی موجود است که فردی مجهول است همچنین برخلاف احادیث دیگر است.

به همین دلیل حدیث قبلی را قوی تر می‌دانند که می‌فرماید: ضَمَّنَ اللَّهُ لِمَنْ خَرَجَ فِي سَبِيلِهِ لَا يَخْرُجُهُ إِلَّا جِهَادٌ فِي سَبِيلِي وَإِيمَانٌ بِي وَتَصَدِيقٌ بِرُسُلِي فَهُوَ عَلَيَّ ضَامِنٌ أَنْ أُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ أَوْ أَرْجِعَهُ إِلَيَّ مَسْكِنَهُ الَّذِي خَرَجَ مِنْهُ نَائِلًا مَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ أَوْ غَنِيمَةٍ^{۳۱} خداوند ضامن کسی است که به خاطر او از منزل خود بیرون رفته و در راه ایشان جهاد کرده باشد، به من ایامن بیاورد و پیامبران مرا تصدیق کند من او را کفالت خواهم کرد که به بهشت وارد کنم یا اینکه او را به منزل و حالت اولیه خود باز گردانم چه با گرفتن غنیمت باشد یا بدون آن.

۳۱. رواه مسلم عن أبي هريرة.





می‌فرمایند این حدیث قوی تر و راویان آن همگی راویان نزد بخاری و مسلم هستند. اما این رای از چند جهت ضعیف است:

هیچ تفاوتی در بین این حدیث و سایر احادیث وجود ندارد تا برسد به تضاد مابین آن دو حدیث. آن معنایی که حدیث قبلی می‌بخشد می‌فرماید: (أَرْجِعَهُ إِلَيَّ مَسْكَنَهُ الَّذِي خَرَجَ مِنْهُ نَائِلًا مَا نَالَ مِنْ أَجْرٍ أَوْ غَنِيمَةٍ) نمی‌فرماید غنیمت از پاداش کم خواهد کرد یا خیر، و همچنین نمی‌فرماید پاداش آنان مانند پاداش کسانی است که هیچ غنیمتی به دست نیاورده‌اند، حدیث اولی مطلق است و این مقید.

می‌گویند ابو هانی مجهول الهویه است این اشتباهی آشکار است زیرا ابوهانی به (ثقه مشهور) است و ابن سعد، شیثی، حیات و ابن وهب و چندین امام دیگر از او درس آموخته‌اند و این کافی است که امام مسلم از ایشان روایت کرده است.

وقتی می‌گویند در صحیحین نیست این صحیحی حدیث نیست، شرط نیست که اگر در صحیحین نباشد دیگر آن حدیث ضعیف باشد.

اما هنگامی که از غنیمت غزوه‌ی بدر حرف می‌زنند هیچ نصی دال بر این وجود ندارد که اگر غنیمت را بدست نمی‌آورند پاداششان همانند آن حالتی بود غنیمت را به دست آورده‌اند در حالی که خداوند از همه‌ی آنان راضی شده است و آنان را بهشتی قرار داده دیگر چه مقامی بالاتر از آن مقام‌هاست تا از آن بکاهد.

آرای باطل و بیهوده‌ای در نقل قاضی عیاض وجود دارد مانند اینکه برخی می‌گویند دو سوم پاداش آنان کم شده است زیرا به ناحق از غنیمت برداشته‌اند!! این اشتباهی فاحش است زیرا اگر اینطور باشد چطور مستحق دریافت یک سوم دیگر می‌باشند.





- یا رای جالب تری اینکه می‌گویند: کسانی که غنیمت عایدشان نشده است غم و غصه خورده‌اند و به دلیل ناراحتی و غصه آنان خداوند پاداش بیشتری به آنان داده است، این حرفی بس ناروا و ناپسند و خلاف خود حدیث می‌باشد.

- برخی دیگر گفته‌اند حدیث به این معناست که هر کس در ابتدای امر به نیت جهاد و غنیمت برود این کار باعث کاهش پاداش او می‌شود، این رای نیز ضعیف و سهل انگارتر است. حقیقت این است که قبلا اشاره کرده‌ایم.

ولله اعلم.

